

# تداوم بحران در مرزهای عراق-کویت

نویسنده: دکتر اصغر جعفری ولدانی از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

ویرانی‌ها، فرصتی برای طرح مجدد ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت باقی نمی‌گذاشت. اما از اواسط این سال دولت عراق به تدریج بر مشکلات داخلی غلبه کرد و ادعاهای ارضی خود را نسبت به کویت از سر گرفت. در طول سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در مورد تعلق کویت به عراق تبلیغات گسترده‌ای شد که شاید در هیچ عصر و دوره‌ای از تاریخ سابقه نداشته است. در اثر این تبلیغات اکنون تقریباً برای تمام عراقی‌ها این باور ایجاد شده که کویت بخشی از سرزمین آنهاست. به همین جهت، برای نسل‌های آینده عراق فوق‌العاده مشکل خواهد بود که کویت را به عنوان کشوری جدا از عراق بپذیرند. این مسأله برای سال‌های طولانی خواب را از چشم حاکمان کویت خواهد ربود.

## سراب و واقعیت

ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت، با بخش يك سرریال تلویزیونی در ماههای ژوئیه و اوت ۱۹۹۲ از سر گرفته شد. به مناسبت دومین سالگرد اشغال کویت، تلویزیون عراق يك سرریال ۲۴ قسمتی تحت عنوان «السراب والیقین» پخش کرد که در آن صدها سند، شامل نقشه‌های قدیمی، نامه‌های ۶۰ سال قبل و متن روزنامه‌های عراق در نیمه اول قرن بیستم نشان داده شد. در این سرریال همچنین مصاحبه‌هایی با مورخان، استادان، جغرافیدانان، حقوقدانان، سیاستمداران و دانشجویان به عمل آمده بود. هدف از تهیه این سرریال عبارت بود از:

۱. نشان دادن اینکه کویت از نظر تاریخی بخشی از عراق است.
۲. توجیه تجاوز عراق به کویت و اشغال آن کشور در دوم اوت ۱۹۹۰.
۳. آگاه ساختن مردم کویت از باصطلاح «نقش خاتمانه» آل صباح.

در این سرریال با تکیه بر اسناد تاریخی به کزات ادعا شد که «کویت همیشه بخشی از عراق بوده، هست و خواهد بود» و گوینده هشدار داد که «از نظر تاریخی کویت بخشی از عراق است و تجزیه بخشی از اراضی عراق سبب ادامه تنش برای سال‌ها خواهد شد.» مجری سرریال ادعا کرد در نقشه‌ای که در رابطه با انعقاد يك قرارداد سری بین انگلیس، فرانسه و روسیه به جا مانده، کویت جزئی از خاک عراق شناخته شده است.

در این سرریال تصمیمات کمیته سازمان ملل متحد برای علامت‌گذاری مرزهای عراق و کویت به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و گفته شد که تعیین

با بهای سنگینی که دولت عراق برای اشغال کویت پرداخت، بسیاری این باور بودند که آن کشور دیگر از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف‌نظر خواهد کرد. اما هنوز یکسال از خاموش شدن آتش توپخانه‌ها، غرش هواپیماها و صدای مرگبار انفجار بمب‌ها و موشک‌ها نگذشته بود که عراق ادعاهای ارضی خود را نسبت به کویت از سر گرفت. این کشور در ۲ سال گذشته با شدت بی‌سابقه‌ای ادعاهای ارضی خود را نسبت به کویت تکرار کرده است.

همزمان با از سرگیری ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت، تنش در مرزهای بین دو کشور نیز رو به افزایش نهاد. از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ به کرات حرمت این مرزها نقض شده است. تجدید ادعاهای ارضی عراق و ادامه تجاوزات این کشور به کویت سبب شد که نیروهای متحدین در ژانویه ۱۹۹۳ به شدت بغداد و سایر شهرهای عراق را مورد حمله قرار دهند.

هدف این مقاله بررسی تحولات مربوط به مرزهای عراق و کویت بعد از جنگ خلیج فارس است. در بخش اول این مقاله ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت در سالهای ۹۳-۱۹۹۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، مسائل و موضوعاتی مانند سراب و واقعیت، بررسی نوشته‌های مطبوعات عراق در مورد حاکمیت نسبت به کویت، اظهارات مقامات رسمی عراق در این زمینه، صدام حسین و احیای امپراتوری بابل، رد تصمیمات کمیته مرزی سازمان ملل متحد، شکایت کویت به شورای امنیت و بالاخره مبنای ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت، مرور می‌شود.

در بخش دوم مقاله، تجاوزات عراق به کویت در سال‌های ۹۳-۱۹۹۲، از سرگیری تهدیدات عراق، افزایش بیم و نگرانی در کویت، احداث دیوار امنیتی در مرزهای در کشور، احداث ۲۰ پایگاه نظامی در کویت، امضای موافقتنامه‌های امنیتی با آمریکا، انگلیس و فرانسه، تلاش کویت برای تجزیه عراق، بحران موشک‌ها در ژانویه ۱۹۹۳، حملات موشکی آمریکا به بغداد و امنیت کویت بررسی خواهد شد. \*\*\*

## بخش اول

### تداوم ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت

تا اواسط سال ۱۹۹۲، عراق درگیر بی‌آمدهای ناشی از جنگ خلیج فارس بود. مشکلات اقتصادی و سیاسی که به دنبال جنگ ایجاد شد و ابعاد عظیم

جمهوری این کشور، نشان دهنده این حقیقت بوده که کویت جزئی از خاک عراق است و نمی‌تواند از این کشور جدا باشد. در این برنامه ادعا شد که بریتانیا برای تحکیم سلطه خود بر کویت و ایجاد شکاف و اختلاف بین عراق و کویت در آن زمان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرده و راه الحاق کویت به عراق را به روی تمامی ملوک و رؤسای عراق می‌بسته است.

با فرا رسیدن سومین سالگرد تجاوز عراق به کویت، تلویزیون عراق در برنامه‌ای بار دیگر کویت را جزئی از خاک عراق اعلام کرد و مدعی شد که براساس اسناد و مدارک موجود کویت با نام کاظمه بخشی از استان بصره بوده است. در این برنامه ضمن تأکید بر اینکه کویت به صورت جزئی از خاک عراق باقی خواهد ماند، گفته شد آل صباح از یهودیان سرزمین نجد هستند که به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و بعدها استعمارگران انگلیسی آنان را به عنوان حکام منطقه کاظمه منصوب کرده‌اند.

در این میان تلویزیون کویت در برنامه ویژه‌ای، مطالب سریال «سراب و واقعیت» را خلاف واقع و جعل اسناد خواند. در این برنامه با ارائه نمونه‌هایی از کشورهای تازه استقلال یافته پس از جنگ جهانی دوم مانند اردن و سوریه، ادعاهای عراق در مورد حاکمیت بر کویت رد شد.

### ادعای مطبوعات عراق در مورد کویت

روزنامه‌های بغداد در دومین سالگرد حمله عراق به کویت بار دیگر ادعا کردند که کویت از نظر تاریخی و جغرافیایی بخشی از عراق است و این دو کشور در نهایت روزی به یکدیگر خواهند پیوست. روزنامه دولتی «الجمهوریه» نوشت: «حمله دوم اوت ۱۹۹۰ یک اشتباه تاریخی ۷۰ ساله را تصحیح کرد». الجمهوریه اقدام به چاپ یک سند انگلیسی به تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۱۴ کرد و نوشت این سند ثابت می‌کند که کویت در آغاز نخستین جنگ جهانی جزء خاک عراق بوده است. در این سند که از طرف میجر استوارت ناکس نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس خطاب به شیخ مبارک الصباح حاکم کویت صادر شده آمد است که لندن در مقابل تعهد شیخ مبنی بر حمایت از انگلیسی‌ها در جنگ با عثمانی، کویت را به عنوان امارتی مستقل تحت حمایت بریتانیا به رسمیت می‌شناسد. این روزنامه اضافه کرد که: «کویت در نهایت باید به وطن اصلی خود بازگردد. اما تاریخ روشن خواهد کرد این امر چگونه و در چه زمانی باید انجام گیرد.»<sup>۳</sup>

نشریه «القادسیه» ارگان رسمی وزارت دفاع عراق نیز نوشت که عراق هرگز از ادعای خود نسبت به این امیرنشین کوچک ولی ثروتمند صرف نظر نکرده و برای هرگونه برخورد جدید آماده است. این نشریه روز دوم اوت ۱۹۹۲ را که سالگرد اشغال کویت از سوی عراق است روز ندای افتخارآمیز نامید و افزود: «عراق با عقب نشینی از کویت، از حقوق تاریخی خود چشم‌پوشی نکرده است. کویت در سرتاسر تاریخ جزو عراق بوده... و عراق تحت رژیم‌های سیاسی مختلف هرگز از حقوق خود صرفنظر نکرده است... عراق در (مادر همه جنگ‌ها) آسیب‌ناپذیر باقی خواهد ماند و همیشه قادر به مقاومت و شکست هرگونه تجاوزی به حاکمیت خود خواهد بود... کویت براساس شواهد تاریخی و جغرافیایی هنوز هم یک استان عراق بوده و هست؛ کویت ضمیمه طبیعی استان بصره است. هیچکس نمی‌تواند واقعیات جغرافیایی را تغییر دهد. جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، جان میجر نخست‌وزیر بریتانیا و جابراه‌الاحمد الصباح امیر کویت نمی‌توانند آنچه را که تاریخ قرن‌ها قبل تعیین کرده، تغییر دهند.»

روزنامه «الثوره» ارگان حزب حاکم بعث عراق نیز مصاحبه‌ای با سعدون حمادی نخست‌وزیر سابق این کشور به عمل آورد. حمادی در این مصاحبه خاطر نشان کرده بود: «انگلیس و آمریکا به خوبی از واقعیت کویت آگاه هستند و می‌دانند این سرزمین به عراق تعلق دارد.» وی از خانواده امیر کویت به عنوان «عمال» آمریکا و انگلیس نام برد.

روزنامه «بابل» هم که توسط «عدی» فرزند صدام حسین اداره می‌شود، ادعا کرد کویت هنوز هم استان نوزدهم عراق است و سرانجام به دامان عراق بازگردانده خواهد شد. در این روزنامه ادعا شد که: «ملتی به نام ملت کویت وجود ندارد. آنان که بر این سرزمین حکومت می‌کنند گروهی از خاندان تاریخه فاسدی هستند که به (دلار) و (زن) سجد می‌کنند.»

● کویت: ادامه روند دشمنی رژیم بغداد و نپذیرفتن قطعنامه ۸۳۳ شورای امنیت در مورد مرزبندی جدید بین دو کشور، نشانگر اصرار بغداد به زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین بین‌المللی است.

● ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت مبتنی بر دلایل تاریخی، حقوقی، جغرافیایی، استراتژیک، سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی است؛ دلایلی که پذیرفتنی و توجیه‌کننده تجاوز نیست.

● در واقع مهم‌ترین عاملی که عراق را به پی‌گیری ادعاهای ارضی‌اش نسبت به کویت وامی‌دارد، موقع جغرافیایی نامناسب آن کشور در خلیج فارس است. بی‌گمان، سیاست عراق در قبال کویت بیش از هر چیز از این مسئله اثر می‌پذیرد.

● به احتمال زیاد ادعاهای ارضی عراق در مورد کویت در آینده نیز ادامه خواهد یافت و حتی اگر صدام حسین سقوط کند، دولت‌های بعدی از آن دست نخواهند کشید. از ملک غازی تا نوری سعید، از نوری سعید تا عبدالکریم قاسم، و از عبدالکریم قاسم تا صدام حسین همواره یک هدف دنبال شده و آن الحاق کویت به عراق بوده است.

حدود عراق و کویت یک مسأله استعماری است که طراح آن انگلیس بوده است. همچنین اعلام شد که تعیین مرز بین عراق و کویت حلال مشکل نیست زیرا کویت یک منطقه عراقی وابسته به ولایت بصره است و بنابراین نمی‌توان برای آن خط و مرزی تعیین کرد.

مجری سریال با اشاره به اینکه بریتانیا در جداسازی کویت از عراق نقش اساسی داشته است، گفت: بریتانیا در زمان حکومت ملک غازی در عراق همواره با جانبداری از کویت، درخواست‌های مبنی بر الحاق این کشور به عراق را نادیده می‌گرفت. وی ادعا کرد در زمان حکومت ملک غازی بر عراق، هر زمان وی تحت فشار جوانان کویت قرار می‌گرفت که خواستار الحاق این کشور به عراق بودند، و درصدد لشکرکشی و حمله به کویت برمی‌آمد، انگلیس مانع می‌شد. در این سریال ادعا شد که ملک غازی بارها برای عملی کردن این تصمیم خود تا نزدیکی کویت نیز پیش رفت اما بریتانیا جلوی حمله را گرفت و نسبت به عواقب آن به عراق هشدار داد. در سریال «سراب و واقعیت» برای موجه جلوه دادن حمله عراق به کویت، گفته شد که ملک غازی در دوران حکومت خود بهترین راه الحاق کویت به عراق را لشکرکشی می‌دانسته است. همچنین، نوری سعید نخست‌وزیر عراق امیدوار بوده که با طرفداری از خط مرزی پیشنهادی بریتانیا بتواند کویت را به عراق بازگرداند. نوری سعید که در سال ۱۹۵۸ در جریان کودتای عبدالکریم قاسم به قتل رسید، قبلاً توسط حزب بعث متهم به حمایت از سیاست‌های استعماری بریتانیا در عراق شده بود.

در بخش دیگری از این سریال ژنرال عبدالرحمن عارف رئیس جمهور پیشین عراق روی صفحه تلویزیون ظاهر شد و تعلق کویت به عراق را مورد تأکید قرار داد. وی اظهار داشت اطمینان دارد که کویت متعلق به عراق است و خاطر نشان کرد در زمانی که قدرت را در دست داشته با هرگونه ترسیم مرز میان کویت و عراق مخالفت کرده است. زیرا آن‌ها هر دو یک ملت و یک کشور را تشکیل می‌دهند. وی همچنین به زمانی اشاره نمود که ساکنان منطقه کویت به بصره می‌آمدند و خرید می‌کردند یا تعطیلات خود را در عراق می‌گذراندند، بدون اینکه مانعی وجود داشته باشد.

در این سریال همچنین با قرائت متن چند روزنامه عراقی متعلق به دهه ۱۹۳۰ و نشان دادن تصویر آن‌ها گفته شد که نوشته‌های مطبوعات عراقی از زمان شکل‌گیری دولت عراق همگام با حرکت مقام‌های سیاسی و رؤسای

کویت از توابع استان بصره بوده است.<sup>۷</sup>

## اظهارات مقامات عراقی درباره کویت

مقامات رسمی دولت عراق در فرصت‌های مناسب ادعاهای خود را نسبت به کویت تکرار کرده‌اند. این اظهارات به ویژه به مناسبت‌هایی مانند دومین سالگرد اشغال کویت، یا دومین سالگرد آغاز جنگ نفت که آن را «ام المعارك» (مادر همه جنگ‌ها) نامیده‌اند، و یا برگزاری جشن‌های آزادسازی کویت تشدید شده است. در اینجا به برخی از اظهارات مقامات عراقی اشاره می‌شود:

سعدون حمادی در اوت ۱۹۹۲ لزوم الحاق کویت را به عراق مجدداً مورد تأکید قرار داد: «با توجه به وضع جغرافیایی کویت و قرار گرفتن میادین نفتی آن در محدودهٔ خاک عراق، این کشور جزئی از خاک عراق است.» حامد یوسف حمادی وزیر اطلاعات عراق نیز در پاسخ خبرنگار اسپیکر که از وی پرسید آیا باز هم رئیس‌جمهور صدام حسین مدعی است که کویت نوزدهمین استان عراق است، گفت: «کویت بخشی از خاک عراق است، ادعای ما جنبه تاریخی دارد و ما از آن دست بر نخواهیم داشت.»

در همین حال علی حسن مجید وزیر دفاع عراق در مصاحبه با نشریه «القادسیه» به مناسبت دومین سالروز حمله این کشور به کویت اعلام کرد: «این کشور هرگز از کویت چشم‌پوشی نکرده است و عقب‌نشینی نیروهای عراقی از خاک کویت در فوریه سال گذشته به معنای صرف نظر کردن عراق از حقوق تاریخی خود نیست.»<sup>۸</sup>

طارق عزیز معاون اول نخست‌وزیر عراق در پاسخ سنوآل خبرنگار مجله ژون آفریک (آفریقای جوان) که از وی پرسید عراق هنوز آشکارا رفتار خود را نسبت به کویت تغییر نداده، چرا کویت شایستگی آن را ندارد که به عنوان یک کشور بر روی نقشه سیاسی وجود داشته باشد؟ گفت: «استعمار بریتانیا این امیرنشین را در یک منطقه حیاتی عراق به وجود آورده است. کویت در معنی خاص خود یک کشور نیست بلکه یک (هبه) استعمار کهنه و (پایگاه) نظامی است که غرب در صورت نیاز از آن بهره می‌جوید.»<sup>۹</sup>

همچنین در اوت ۱۹۹۲ برزان تکریتی برادر ناتنی صدام حسین و مشاور سیاسی وی و نماینده عراق در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو با انتشار دو مقاله یکی در مجله دیزیت چاپ آلمان و دیگری در روزنامه الجمهوریه چاپ بغداد، خواستار پیوستن عراق و کویت به یکدیگر و تشکیل یک کشور متحد شد. وی در مقاله اول تجدید ساختار سیاسی در شبه جزیره عربی را ارائه کرده و نقشه سیاسی جدیدی از جغرافیای شبه جزیره عربستان ترسیم نموده است. برزان تکریتی در این مقاله خواستار ادغام کویت در عراق، پیوستن قطر و بحرین به عربستان سعودی و امارات عربی متحده به عمان شده است.

وی در مقاله دوم نوشته است: «بهتر است عراق و کویت در راهی قدم بردارند که منجر به اتحاد دو کشور شود. عراق و کویت باید به یکدیگر احترام بگذارند و من مطمئن هستم هر دو کشور دارای نیرویی هستند که آن‌ها را به یکدیگر نزدیکتر خواهد کرد... وقتی نیت خوب باشد چه چیزی مانع پیوستن دو کشور و تشکیل یک کشور متحد می‌شود؟» وی خاطرنشان کرده که بغداد بهای سنگینی برای تجاوز به کویت پرداخته است و عراق نمی‌تواند آن را فراموش کند و اضافه کرده است که: «عراق برای اینکه کویت را به سرزمین مادری‌اش بازگرداند، تلاش زیادی کرد اما این تلاش‌ها به وسیله کشورهای عرب و منافع دیگر کشورها عقیم ماند... در صورتی که دو دشمن با یکدیگر متحد شوند توانایی‌ها، استعدادها و صلح و امنیت و رفاه در عراق بزرگ حکم فرما خواهد شد. این به راستی آرزوی هر ملی‌گرای واقعی و صادق است.» مقاله با این جملات پایان می‌پذیرد: «مسأله ادغام مجدد کویت در عراق به وسیله نسل‌های آینده عراق عملی خواهد شد.»<sup>۱۰</sup>

صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق در دومین سالگرد آغاز جنگ خلیج فارس از مردم کویت خواست به مصلحت خود فکر کنند و از تبعیت کورکورانه از حکامی که کشورشان را در اختیار اجنبی و استعمار قرار داده‌اند، دست بکشند. وی بار دیگر بر اعتقادش مبنی بر لاینفک بودن کویت از عراق تأکید کرد و اظهار داشت تا زمانی که امت واحد از هم جدا باشند این اختلاف هست و ثروت امت به عدل و انصاف بین آنان تقسیم نخواهد شد.

همچنین با آغاز جشن‌های سالگرد آزادسازی کویت در این کشور در مارس ۱۹۹۳، بار دیگر روزنامه‌های عراق ادعاهای ارضی خود را نسبت به کویت از سر گرفتند. روزنامه‌های بغداد جشن‌های آزادسازی کویت را به باد استهزاء گرفته و ادعا کردند که کویت هنوز بخشی از خاک عراق است و کویتی‌ها باید از برگزاری جشن آزادی کویت شرمسار باشند. روزنامه دولتی «الجمهوریه» در این مورد نوشت: «در کویت آنان آزادی چه چیزی را جشن می‌گیرند و درباره چه چیزی صحبت می‌کنند؟ کویت وصلهٔ تن مام وطن برای نخستین بار موقعی آزادی خود را بازیافت که در دوم اوت ۱۹۹۰ به سایر نقاط عراق پیوست.» و افزود: «کویت از عراق آزاد نشده است، بلکه از عراق جدا شده و پس از ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ به اشغال استعمارگران درآمده است.»<sup>۱۱</sup>

روزنامه «العراق» هم نوشت: «بحران عراق و کویت به دلیل انگیزه‌های اقتصادی یا مرزی نیست، بلکه حاصل مخالفت عراق با یک واقعیت ناعادلانه است که در راستای آن قدرت‌های امپریالیستی به ویژه انگلیس با قطع دسترسی عراق به دریای آزاد از طریق کویت اقدام به تضعیف جغرافیایی عراق کردند.»

## صدام حسین و احیای امپراتوری بابل

دولت عراق همچنین با برگزاری جشنواره‌های مختلف، ادعاهای ارضی خود را نسبت به کویت تکرار کرده است. یکی از مهمترین این جشنواره‌ها، به مناسبت دومین سالگرد اشغال کویت و الحاق آن به خاک عراق، در شهر بابل برگزار شد. این شهر در سال‌های اخیر به وسیله صدام حسین بازسازی شده تا یاد دوران طلایی عراق در قرن ششم قبل از میلاد را زنده کند. در جریان این جشنواره، نقشه بزرگی متعلق به قرن چهارم قبل از میلاد نشان داده شد. این نقشه بر دیوارهٔ آمفی تئاتر یونان - که در اصل اسکندر مقدونی آن را ساخت - تذهیب شده و حاکی از آن بود که کویت بخشی از عراق است.

در یک نمایش، هنرپیشه‌ای که لباس سفیدی بر تن داشت در نقش بخت‌النصر، معروفترین پادشاه بابل ظاهر شد تا شکوه قدیمی امپراتوری بابل را یادآوری کند. در آن زمان قسمت عمدهٔ خاورمیانه، منجمله آنچه که امروز کویت نامیده می‌شود، جزو امپراتوری بابل بود. پشت سر او، یک گروه ۱۰۰ نفری سرود بین‌النهرین «سرزمین میان دو رود» را اجرا می‌کردند که در آن گفته می‌شد: «صدام حسین میوهٔ این تمدن است، او شکوه دوران بخت‌النصر را زنده خواهد کرد.»<sup>۱۲</sup>

به دستور صدام حسین کاخ بزرگی ساخته شده و در آن، پیکرهٔ وی به عنوان جانشین بخت‌النصر برپا گردیده است. در یک آگهی دو صفحه‌ای، رویاهای صدام حسین چنین بیان شده است:

«عراق بار دیگر به صورت تخته برش برای تمدن جدید در خاورمیانه درآمده است. با رهبری مانند صدام حسین و ثروت سرشار نفت و مردانی قوی چون عراقی‌ها، شکوه و عظمت گذشته دوباره احیاء خواهد شد و نام صدام همدیف حمورابی، آشور بانیهال، منصور و هارون الرشید در تاریخ به ثبت خواهد رسید.»<sup>۱۳</sup>

تجاوز صدام حسین به ایران و کویت زایندهٔ این افکار جاه طلبانه بود. هرچند در هر دو مورد، رؤیاهای صدام حسین نقش بر آب شد، اما این افکار توسعه طلبانه همچنان وجود دارد و حتی با قاطعیت می‌توان گفت که بعد از شکست این کشور در الحاق کویت به عراق - با شدت بیشتری دنبال شده است. می‌توان به کتبی اشاره کرد که اخیراً توسط استادان، تاریخ‌نویسان، جغرافیادانان و سیاستمداران عراقی انتشار یافته است. در این کتاب‌ها ادعاهای عراق نسبت به کویت از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تاکنون حداقل ۵ کتاب در این زمینه منتشر شده است:

- هویت عراقی کویت، مطالعه‌ای تاریخی و فرهنگی
- پایان جدایی، مطالعه‌ای تاریخی در مورد بازگشت کویت به عراق
- عراق سخن می‌گوید.
- کویت، عراق است.

- تعیین مرز بین فشار بین‌المللی و حقوق عراق  
در همه کتابهای مذکور ادعا شده که کویت بخشی از عراق و جزء لاینفک خاک این کشور می‌باشد. در این کتب اسناد و مدارکی آمده مبنی بر اینکه

دوفاکتوی خود را در برخی مناطق چند کیلومتر عقب بکشد و یک باریکه مرزی را که به ادعای کویتی‌ها در سالهای گذشته تصرف کرده بوده به کویت پس دهد. عراق نسبت به تصمیمات کمیته شدیداً از خود واکنش نشان داد.

دولت عراق نه تنها تصمیمات کمیته یاد شده را فاقد اعتبار قانونی و خلاف عرف بین‌المللی و اسناد و شواهد تاریخی اعلام کرد، بلکه ادعای خود را نسبت به حاکمیت بر کویت دوباره تکرار نمود. وزارت امور خارجه عراق طی نامه ۲۱ مه ۱۹۹۲ به دبیرکل سازمان ملل متحد رسماً اعلام کرد که تجزیه کویت از خاک عراق پس از استقلال عراق از امپراتوری عثمانی توطئه دولت انگلیس برای کوتاه کردن دست عراق از آب‌های خلیج فارس بوده است. در این نامه با استناد به اسناد وزارت امور خارجه عراق و انگلیس و موافقتنامه ۱۹۱۳ منعقد بین دولت‌های عثمانی و بریتانیا، کویت بخشی از استان بصره تلقی و حاکمیت عراق بر کویت و جزایر آن بدیهی عنوان شده است. در خاتمه این نامه تصریح گردیده که دولت‌های عراق در هیچ مقطعی از تاریخ معاصر حاضر به پذیرش و تأیید خواست انگلیس برای به رسمیت شناختن کویت در محدوده جغرافیایی فعلی نشده‌اند و ملت عراق بار دیگر اعلام می‌دارد که حاضر به واگذاری یک وجب از خاک خود نیست.

همچنین وزیر امور خارجه عراق طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۸۳۳ شورای امنیت مورخ ۲۳ مه ۱۹۹۳ را رد کرد. شورای امنیت به موجب این قطعنامه مرزهای جدید عراق و کویت را که توسط کمیته مرزی سازمان ملل علامت‌گذاری شده، به رسمیت شناخته است. وزیر امور خارجه عراق طی این نامه اعلام کرد که دولت عراق به هیچ عنوان قطعنامه مذکور را نمی‌پذیرد و مرزی را که اخیراً میان عراق و کویت تعیین شده به رسمیت نمی‌شناسد.

در واقع اعتراضات عراق به تصمیمات کمیته سازمان ملل متحد و رد قطعنامه ۸۳۳ شورای امنیت نه تنها به خاطر رنجش آن دولت، بلکه به این علت نیز هست که یک مبنای نیمه حقوقی برای ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت در آینده ایجاد کرده باشد.

## شکایت کویت به شورای امنیت

هرچند تصمیمات کمیته مرزی سازمان ملل متحد با خشنودی کویت روبرو شد، اما از سرگیری ادعاهای ارضی عراق و رد تصمیمات کمیته مذکور، این کشور را شدیداً نگران کرد. نگرانی کویت را از توسل شتاب زده آن به شورای امنیت می‌توان درک کرد. دولت کویت از شورای امنیت درخواست کرد که به گونه‌ای اصولی با ادعاهای دولت عراق که همچنان کویت را بخشی از خاک خود می‌داند، برخورد کند. محمد بوالحسن نماینده دائم کویت در سازمان ملل در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت با اشاره به تداوم ادعاهای ارضی عراق نوشت دولت عراق به رغم شکست خوردن در جنگ و پذیرش ضمنی قطعنامه‌های شورای امنیت همچنان از کویت به عنوان استان جنوبی عراق و از مرزهای بین‌المللی دو کشور به عنوان مرز دو استان بصره و کویت یاد می‌کند. در این نامه با اشاره به اظهارات مقامات رسمی عراق و مطالب مندرج در جراید این کشور از جمله مقاله بوری النجمه المنصوری معاون وزیر اطلاعات عراق در روزنامه بابل شماره ۷ نوامبر ۱۹۹۳ که در آن تهدید شده بود عراق دست از دفاع از تمامیت ارضی خود بر نخواهد داشت، آمده است این خوی توسعه طلبانه بود که عراق را وادار به اشغال کویت کرد. در این نامه اضافه شده تا زمانی که با این مسأله برخورد اصولی نشود نه تنها استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کویت بلکه صلح و امنیت منطقه در معرض خطر قرار خواهد داشت. بالاخره دولت کویت ضمن محکوم کردن اقدام جدید بغداد در معرفی این کشور به عنوان یکی از استان‌های عراق در اسناد، نقشه‌ها و حتی کارنامه‌های تحصیلی دانش‌آموزان عراقی، خواستار برخورد قاطع شورای امنیت در این زمینه شده است.

به طور کلی، تداوم ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت، به معنی نقض قطعنامه شماره ۶۸۷ مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بموجب این قطعنامه شورای امنیت از عراق و کویت می‌خواهد که به غیر قابل نقض بودن مرزهای بین‌المللی و جزایر مربوطه طبق آنچه در یادداشت

● بر اثر تبلیغات گسترده عراق، اکنون تقریباً برای همه عراقی‌ها این باور ایجاد شده که کویت بخشی از سرزمین آنهاست و برای نسل‌های آینده عراق بسیار دشوار خواهد بود که کویت را بعنوان کشوری مستقل بپذیرند.

● گرچه رؤیاهای جاه طلبانه صدام حسین در تجاوز به ایران و کویت نقش بر آب شد، اما رهبر عراق همچنان خوابهای پلاتنی می‌بیند و دستگاه‌های تبلیغاتی و سخنگویانش آنها را بیان می‌کنند: صدام حسین میوه تمدن شش هزار ساله عراق است؛ او شکوه دوران بخت‌النصر را زنده خواهد کرد.

● رهبران عراق نه تنها مدعی مالکیت کویت هستند بلکه نقشه سیاسی جدیدی از جغرافیای شبه جزیره عربستان و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس را ترسیم می‌کنند که در آن قطر و بحرین به عربستان سعودی، و امارات عربی متحده به عمان می‌پیوندند.

● عراق: تجزیه کویت از خاک عراق، توطئه دولت انگلیس برای کوتاه کردن دست عراق از خلیج فارس بوده است. دولت‌های عراق در هیچ مقطعی از تاریخ معاصر حاضر به پذیرش خواست انگلیس برای به رسمیت شناختن کویت در محدوده جغرافیایی کنونی نشده‌اند.

صدام حسین همچنین گفته است: «کویتی‌ها و عراقی‌ها از آغاز تاریخ عراقی بوده‌اند. مرزهای عراق، از زمانی که تاریخ به یاد می‌آورد از زاخودر شمال تا شهر الیندا (احمدی) و شهر کویت در ساحل دریا از جنوب امتداد داشته است.»<sup>۱۱</sup>

در این میان شدیدالحن‌ترین سخنان از طرف نوری نجم‌المرسومی وزیر مشاور در امور اطلاعات عراق صورت گرفته است. وی هشدار داده است که خانواده سلطنتی کویت نمی‌توانند برای دومین بار از دست عراق بگریزند. وی خانواده صباح را متهم کرد که با ادعای استقلال کویت تاریخ را تحریف کرده‌اند. مرسومی اظهار داشته که مردم کویت عراقی هستند و این حقیقت که هویت اصلی آن‌ها نفی شده یک جنایت است. وزیر مشاور در امور اطلاعات عراق همچنین اضافه کرده است که موافقت عراق با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به معنای آن نیست که این کشور موافق نقض مرزهایش و دادن اجازه به خانواده الصباح برای توطئه بر ضد امنیت کشورش است.

## رد تصمیمات کمیته مرزی سازمان ملل

دولت عراق تصمیمات کمیته سازمان ملل برای علامت‌گذاری مرزهای عراق و کویت را نپذیرفته است. این کمیته بر پایه قطعنامه شماره ۶۸۷ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت سازمان ملل تشکیل گردید و وظیفه آن علامت‌گذاری مرزهای عراق و کویت روی زمین بر اساس یادداشت تفاهم منعقد بین کویت و عراق در ۴ اکتبر ۱۹۶۳ بود.

در این یادداشت تفاهم، مرزهای تعیین شده بین دو کشور طی نامه ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۲ نوری سعید نخست‌وزیر عراق به رسمیت شناخته شده است. با وجود امضای این یادداشت تفاهم، مرزهای عراق و کویت تا زمان اشغال کویت توسط عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ روی زمین علامت‌گذاری نشده بود. زیرا این کار به مفهوم شناسایی رسمی کویت به عنوان کشوری مستقل و مجزا از عراق تلقی می‌شد و این با ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت مغایرت داشت. لازم به یادآوری است که عراق به موجب یادداشت تفاهم مذکور و موافقتنامه‌های قبل از آن کویت را به صورت دوفاکتو به عنوان کشوری مستقل شناخته بود. به هرحال، به موجب تصمیمات کمیته مذکور عراق می‌بایست مرزهای

تفاهم بین دولت‌های کویت و جمهوری عراق در خصوص بهبود روابط دوستانه آمده و به وسیله دو کشور در چارچوب اعمال حاکمیت خود در ۴ اکتبر ۱۹۶۳ امضاء شده و در سازمان ملل به ثبت رسیده و طبق سند شماره ۷۶۳ سازمان ملل منتشر شده، احترام بگذارند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنین در قطعنامه مذکور اعلام کرده که مصمم است غیر قابل نقض بودن مرزهای بین‌المللی مذکور در فوق را تضمین نماید و تمام اقدامات لازم و مقتضی را بر طبق منشور سازمان ملل متحد در این مورد به عمل آورد. شورای امنیت در راستای این امر بعد از علامت‌گذاری مرزهای عراق و کویت روی زمین به طوری که گفته شد قطعنامه شماره ۸۳۳ مورخ ۲۳ مه ۱۹۹۳ را صادر کرد. شورای امنیت به موجب این قطعنامه علامت‌گذاری مرزهای بین دو کشور را مورد تأیید قرار داد و بار دیگر حمایت خود را از مرزهای عراق و کویت اعلام کرد.

امّا در قطعنامه مذکور توسط عراق، سبب شد که کویت از شورای امنیت درخواست نماید موضع قاطعی برای وادار کردن دولت عراق به اجرای قطعنامه‌های آتش بس اتخاذ کند. نماینده کویت در سازمان ملل طی نامه‌ای به شورای امنیت خاطر نشان کرده است:

«ادامه روند دشمنی رژیم عراق و عدم پذیرش قطعنامه ۸۳۳ شورای امنیت در مورد مرزبندی جدید بین دو کشور، نشانگر اصرار بغداد به زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین بین‌المللی است.»

تجدید ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت و رد قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و مخالفت‌های بی‌دری آمریکا سبب شده که آمریکا در صدد وضع شروط جدیدی برای لغو تحریم نفتی عراق برآید. این کشور از اعضای دائم شورای امنیت خواسته است از سر گرفته شدن صدور نفت عراق را منوط به شناسائی استقلال و تمامیت ارضی کویت از جانب دولت بغداد کنند. روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای در این مورد نوشت: «انگلیس، فرانسه و روسیه موافقت خود را با این مسأله اعلام کرده‌اند. لیکن چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت هنوز تصمیمی در این زمینه نگرفته است.»

در همین حال شورای امنیت به تحریم اقتصادی عراق ادامه داده و دلایل آن را عدم اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل به وسیله عراق، عدم شناسائی رسمی حق حاکمیت کویت و مرزهای آن، عدم استرداد ۷۰۰ اسیر جنگی کویتی به کشورشان و پس ندادن اموالی که در طول ۷ ماه اشغال کویت از این کشور غارت کرده، عنوان کرده است.

## مبنای ادعاهای ارضی عراق

مبنای ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت را دلایل تاریخی، حقوقی، جغرافیائی، استراتژیکی، سیاسی، ایدئولوژیکی و امنیتی تشکیل می‌دهد. هرچند عراق به همه این عوامل استناد کرده، ولی روی برخی از عوامل مذکور بیشتر تأکید داشته است. به عنوان مثال، دولت عراق در سال‌های اخیر، به طوری که گفته شد، بیشتر به دلایل تاریخی و جغرافیائی، استناد نموده است.

دلایل تاریخی - حقوقی:

سابقه تاریخی ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت به آغاز قرن بیستم باز می‌گردد. به طور دقیق تر می‌توان گفت که ریشه اختلافات را باید در قرارداد ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ جستجو کرد. بموجب این قرارداد که بین عثمانی و بریتانیا به امضاء رسید کویت به عنوان ایالتی خودمختار با پرچم خاص خود به رسمیت شناخته شد. علاوه بر آن، مرزهای آن با عراق که همین مرزهای کنونی است، تعیین گردید. تا آن زمان، کویت به صورت رسمی بخشی از امپراتوری عثمانی بود ولی در عمل به موجب قرارداد ۱۸۹۹ منعقد بین بریتانیا و کویت، تحت کنترل بریتانیا قرار داشت. بعداً در جریان جنگ جهانی اول که متصرفات خاورمیانه‌ای عثمانی از جمله عراق از آن جدا گردید، کویت نیز به عنوان امارتی مستقل از طرف بریتانیا به رسمیت شناخته شد. در آن زمان، منافع بریتانیا در خلیج فارس ایجاب می‌کرد که برای مقامات عثمانی از جهت دسترسی به خلیج فارس محدودیت ایجاد کند. بنابراین طبیعی بود که مرزهای شمال شرقی کویت، به صورتی تعیین گردد که کنترل خور عبدالله در دست بریتانیا قرار گیرد.

مبنای حقوقی ادعای عراق نسبت به کویت را همین قرارداد تشکیل می‌دهد. دولت عراق ادعا می‌کند که ۱- بموجب قرارداد مذکور کویت ناحیه‌ای خودمختار در چارچوب امپراتوری عثمانی بوده و شیخ کویت یک مأمور عثمانی به شمار می‌رفته است. بنابراین عراق معتقد است از آنجا که جانشین امپراتوری عثمانی در این منطقه شده، وارث متصرفات آن در کویت است. ۲- قرارداد مذکور هرگز به تصویب نرسیده است و بنابراین فاقد اعتبار حقوقی است.

این استدلال عراق قابل قبول نیست زیرا این کشور بعد از تأسیس، به موجب قراردادهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳ که با بریتانیا منعقد کرد، مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۱۳ را به رسمیت شناخت. البته دولت عراق در سال‌های بعد قراردادهای مذکور را با این استدلال که در سال‌های یاد شده تحت نفوذ خارجی بوده و با استناد به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال لغو کرد. لیکن این اقدام دولت عراق نیز غیر قانونی است. زیرا بموجب ماده ۶۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، استناد به اصل مذکور برای لغو یکجانبه قراردادهای مرزی مردود است.

به هرحال، نوری سعید نخست‌وزیر عراق در ژوئیه ۱۹۳۲ نامه‌ای به کمیسیون عالی بریتانیا در عراق نوشت و طی آن مرزهای تعیین شده در قراردادهای قبلی را، که مرزهای کنونی است، به رسمیت شناخت. در واقع دولت عراق در آن سال تمایلی به پذیرش مرزهای تعیین شده نداشت ولی ناگزیر به این امر شد زیرا دولت عراق در آن زمان در نظر داشت به عضویت جامعه ملل درآید. با توجه به ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل که دول عضو تمامیت ارضی یکدیگر را به طور متقابل تصدیق و تأیید می‌کردند، عراق ناچار بود مرزهای خود با کویت را بپذیرد. به عبارت دیگر، عراق می‌بایستی از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف نظر می‌کرد.

دولت عراق ادعا می‌کند که نامه نوری سعید از نظر بین‌المللی یک موافقتنامه حقوقی الزام‌آور تلقی نمی‌شود، زیرا به تصویب مجلس عراق در آن زمان نرسیده است. دولت عراق همچنین معتقد است که نوری سعید به این دلیل مرزهای تعیین شده را پذیرفته که بریتانیا با درخواست وی مبنی بر الحاق کویت به اتحادیه عراق و اردن موافقت کند.

از مذاکرات اعضای کابینه عراق در ژوئیه ۱۹۳۲ چنین استنباط می‌شود که تمام اعضای کابینه با نامه نوری سعید و پذیرش مرزها موافق نبوده‌اند. برخی از اعضای کابینه خواستار اصلاح مرزها و کنترل جزایر وره و بوبیان توسط عراق بوده‌اند، تا به این ترتیب خط ساحلی عراق را در خلیج فارس افزایش دهند. طبق یادداشت سفارت عراق در لندن در سپتامبر ۱۹۹۰، جعفر العسکری وزیر دفاع عراق در نشست اعضای کابینه عراق در ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۲، نسبت به درستی این حرکات شتاب‌آمیز برای تأیید مرزهای عراق و کویت، اظهار شک و تردید کرده و خواستار اعمال حاکمیت عراق بر جزایر وره و بوبیان شده است. وزیر دفاع اظهار داشته است که عراق می‌تواند به این جزایر بر مبنای زمین شناسی ادعای ارضی کند. به نظر وی این جزایر در اثر رسوبات ناشی از رودخانه‌های عراق در سال‌های بسیار قبل ایجاد شده است.<sup>۱۳</sup> به این ترتیب در سال ۱۹۳۲ حداقل وزارت دفاع با تأیید مرزها مخالف بوده و از شرایط نامطلوب جغرافیایی عراق در خلیج فارس آگاهی داشته است.

با این حال در ۴ اکتبر ۱۹۶۳، یعنی دو سال بعد از استقلال کویت، یادداشت تفاهمی بین دو کشور به امضاء رسید که بموجب آن دولت عراق استقلال کشور کویت و حاکمیت کامل آن را در چارچوب مرزهای تعیین شده در نامه نوری سعید نخست‌وزیر عراق در ژوئیه ۱۹۳۲ به رسمیت شناخت. در این یادداشت تفاهم هیچ ماده‌ای برای علامت‌گذاری مرزها در آینده، گنجائیده نشده بود.

این یادداشت تفاهم را نیز سفارت عراق در لندن طی یادداشت سپتامبر ۱۹۹۰ بی‌اعتبار اعلام کرد، با این بهانه که به تصویب شورای ملی انقلاب عراق نرسیده است. همچنین وزارت امور خارجه عراق طی نامه ۲۱ مه ۱۹۹۲ به دبیرکل سازمان ملل متحد مجدداً یادداشت تفاهم یاد شده را بی‌اعتبار دانست و از اینکه این یادداشت تفاهم مبنای کار کمیته سازمان ملل برای علامت‌گذاری مرزهای بین عراق و کویت قرار گرفته، اعتراض کرد. استدلال دولت عراق سست به نظر می‌رسد زیرا یادداشت تفاهم مذکور از

مگر اینکه جزایر ورهبه و بوبیان کویت را تصرف کند. راه دسترسی به این بندر، خور عبدالله است. خور عبدالله و اروندرود هر دو باریک و نگهداری آن‌ها بسیار پرهزینه است و نیاز به لایروبی دارند؛ در غیر این صورت، از گل‌ولای انباشته شده و غیر قابل گشتیرانی خواهند شد. افزون بر آن، بنادر مذکور عمق کمی دارند و نمی‌توانند کشتی‌های بزرگ را بپذیرند.

در این میان کویت می‌تواند وضع نامطلوب جغرافیایی عراق را بهبود بخشد. طول سواحل کویت در خلیج فارس ۴ برابر سواحل عراق است. بعلاوه، سواحل کویت دارای آب عمیق و برای ایجاد بندر بسیار مناسب و کم هزینه است. در این صورت با اشغال کویت یا حداقل تصرف جزایر ورهبه و بوبیان، بر طول سواحل عراق در خلیج فارس به نحو چشم‌گیری افزوده می‌شود و این کشور می‌تواند صاحب بنادر متعدد با آب عمیق در خلیج فارس شود. تسلط بر جزایر مذکور یا تمام کویت این امکان را به عراق می‌دهد که یک نیروی دریایی قدرتمند در خلیج فارس به وجود آورد و نقش مهمتری در این منطقه برعهده گیرد.

ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت از این واقعیت‌های جغرافیایی ناشی می‌شود. بنابراین، ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت در آینده نیز ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر، حتی در صورتی که صدام حسین سقوط کند، دولت‌های بعدی عراق از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف‌نظر نخواهند کرد، زیرا دولت‌ها تغییر می‌کنند، اما واقعیت‌های جغرافیایی تقریباً ثابت و تغییرناپذیر است. تاریخ عراق بیانگر این حقیقت است. «از ملک غازی تا نوری سعید، از نوری سعید تا عبدالکریم قاسم و از عبدالکریم قاسم تا صدام حسین، همواره یک هدف دنبال شده و آن الحاق کویت به عراق بوده است.»<sup>۱۲</sup> (دنباله دارد)

#### ● زیرنویس‌ها:

۱. در یک گزارش اقتصادی که توسط سه مؤسسه اقتصادی عربی یعنی صندوق پولی اعراب، صندوق اجتماعی اعراب و سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت تهیه شده، زبان‌های مالی اعراب در زمینه اقتصادی در نتیجه تجاوز عراق به کویت ۶۲۰ میلیارد دلار برآورد گردیده است. میزان زبان‌هایی که به تأسیسات زیربنایی عراق وارد آمده حدود ۱۹۰ میلیارد دلار و زبان‌های وارده به کویت ۱۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

۲. برای اطلاع از سوابق تاریخی ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی عراق و کویت تا تجاوز عراق به کویت در دوم اوت ۱۹۹۰، بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق با کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۶۹)

3. Kayhan International, Aug. 3. 1992.

4. EIU, Iraq, Country Report, No. 1, 1993, p.9

5. Tehran Times, Oct. 18. 1992

۶. اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق (چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰)، ص ۵۷۴-۵۷۵

۷. بنگرید به: Ofra Bengio, Iraq, in Middle East Contemporary Survey Editor Ami Ayalon (Oxford: Westview Press. 1990) p. 25

۸. اطلاعات، ۱۲ مرداد ۱۳۷۱

۹. رسالت، ۱۷ آبان ۱۳۷۱

10. Tehran Times, Aug. 2. 1992

11. Fred More (Compiler) Iraq Speaks, Documents on the Gulf Crisis. 1991, pp. 11-12

12. Kuwait - Iraq Boundary Demarcation, Historical Rights and International Will, (Kuwait National Center for Documents of Iraqi Aggression on Kuwait, 1992)

13. Iraqi Embassy, London (1990) The Political Background to the Current Events, pp. 13-14

۱۴. دکتر اصغر جعفری ولدانی، کانونهای بحران در خلیج فارس (تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱)، ص ۳۱۳.

همان‌زمان امضاء به مورد اجرا گذاشته شد. بدنبال امضای این یادداشت تفاهم، فوراً نمایندگان سیاسی بین دو کشور مبادله شدند و روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور مجدداً برقرار گردید. علاوه بر آن، در یادداشت تفاهم مذکور اشاره‌ای به تصویب آن نشده است. همچنین دولت کویت این یادداشت تفاهم را در ۱۰ ژانویه ۱۹۶۴ در سازمان ملل متحد به ثبت رسانیده است. دلایل ایدئولوژیک:

با توجه به اینکه دلایل تاریخی - حقوقی دولت عراق قابل قبول نیست، لذا این کشور به دلایل دیگری متوسل شده که یکی از آن‌ها جنبه ایدئولوژیک دارد. ایدئولوژی حزب بعث حاکم بر عراق بر پایه سه کلمه وحدت، آزادی و سوسیالیسم قرار گرفته است. در اساسنامه حزب بعث آمده که رسالت آن «یک ملت عرب با یک مأموریت ابدی است.» از نظر حزب بعث، اعراب با وجود تقسیم شدن به کشورهای مختلف، همیشه ملت واحدی را تشکیل می‌دهند و حال نیز باید مرزهای بین کشورهای عربی از میان برداشته شود. به نظر میشل عفلق بنیانگذار حزب بعث، این رسالت بر عهده این حزب است. وی در این مورد اظهار می‌دارد: «در هر جا که ملت عرب به کشورهای مختلف تجزیه یا بدون سرزمین شده یا موجبات اتحاد یک کشور مصنوعی و ساختگی فراهم گردیده، می‌بایست مبارزه تا اتصال این قطعات به یکدیگر و تشکیل و تأسیس امپراتوری یک پارچه و طبیعی عرب ادامه یابد.» ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت و تلاش این کشور برای اشغال و الحاق آن را به عراق در راستای این ایدئولوژی باید ارزیابی کرد.

دلایل اقتصادی و استراتژیک:

ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت علل اقتصادی نیز دارد. یکی از انگیزه‌های اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰، همین بود. کویت دارای ۱۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت در جهان است. بنابراین عراق با تصرف کویت بر ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان تسلط می‌یافت. صدام حسین در توجیه اشغال کویت و الحاق آن به عراق اظهار داشته است: «برای وی ضروری بود که به کویت برود و مرزهایی را که ثروت‌ها را از آن اقلیتی از اعراب کرده است، مجدداً ترسیم کند.»

دولت عراق همچنین اظهار می‌دارد که به علت وسعت کم، فاقد عمق استراتژیک است و نمی‌تواند در برابر حملات خارجی از خود دفاع نماید. عراق ادعا می‌کند که تصرف - جزایر ورهبه و بوبیان و یا تمام کویت، این کشور را قادر می‌سازد در مقابل تهدیدات خارجی از خود دفاع کند. جنگ ایران و عراق، اهمیت استراتژیکی کویت را برای دفاع از عراق بیش از پیش آشکار کرد. در طول جنگ نیروی دریایی ایران توانست نیروی دریایی عراق را در خور عبدالله محبوس کند و اجازه خروج به آن ندهد.

دلایل جغرافیایی:

در واقع مهم‌ترین دلیل دولت عراق برای تداوم ادعاهای ارضی اش نسبت به کویت را موقع جغرافیایی این کشور در خلیج فارس تشکیل می‌دهد. به طور حتم می‌توان گفت که سیاست خارجی عراق نسبت به کویت بیش از هر عامل دیگری از موقع جغرافیایی این کشور در خلیج فارس اثر می‌پذیرد. از نظر جغرافیایی، عراق وضع نامطلوبی در خلیج فارس دارد. طول سواحل عراق در خلیج فارس حدود ۵۵ کیلومتر است که از تمام کشورهای خلیج فارس کمتر است. افزون بر آن، سواحل عراق باستثنای خور عبدالله دارای آب عمیق نبوده و برای ایجاد بندر مناسب نیست. عراق دارای دو بندر در خلیج فارس است. یکی بندر بصره که در شمال اروندرود و در ۱۲۰ کیلومتری خلیج فارس واقع شده و تنها راه دسترسی آبی به بندر مذکور، اروندرود است. عراق ادعا می‌کند که با پذیرش خط تالوگ به عنوان مرز ایران و عراق در این رودخانه، از اهمیت آن کاسته شده است. بعلاوه، در صورت بروز اختلاف با ایران امکان بسته شدن این رودخانه وجود دارد. به همین جهت عراق نمی‌تواند روی بندر بصره حساب کند. در حال حاضر به علت مسدود بودن اروندرود، از بندر بصره استفاده نمی‌شود.

دیگری، بندر ام‌القصر که آنهم در کنار خوری بر از جزر و مد واقع شده و به وسیله جزایر ورهبه و بوبیان کویت احاطه گردیده است. به همین جهت عراق ادعا می‌کند که نمی‌تواند به راحتی به آب‌های خلیج فارس دسترسی داشته باشد،